

بسمه تعالی



**چکیده مباحث ارائه شده در ششمین نشست خانواده، تحولات بنیادین عصر حاضر و
چالش‌های پیش رو:**

تئوری انتخاب، فرزندپروری و تعارض بین نسلی

مدرس: دکتر علی صاحبی

مربی ارشد و عضو هیئت علمی موسسه ویلیام گلسر

محل برگزاری: خیابان ورشو، جنب پارک ورشو، ساختمان غدیر، طبقه پنجم، سالن همایش، ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۶

مقدمه

تعارض بین نسلی با توجه به اهمیت آن در جامعه ایران، از جمله مباحثی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. تفاوت بین نسلی به معنای وجود اختلاف‌نظرهای مهم میان دو نسل والدین و فرزندان در جنبه‌های مختلف زندگی نظیر الگوی همسرگزینی، الگوی مصرف کالای فرهنگی، نحوه گذران اوقات فراغت، رفتار دینی و نگرش به جنسیت است. جامعه ایران در دهه‌های اخیر در جریان تحولات فرهنگی و اجتماعی وسیعی قرار گرفته و به ویژه در خانواده‌ها چشمگیر بوده است. یکی از مهمترین تحولات، برجسته‌تر شدن تفاوت‌های ارزشی میان فرزندان و والدین است که موجب شده خانواده‌ها در معرض چالش‌های جدی قرار گیرند. چالش‌هایی که به نظر می‌رسد شکل سنتی خانواده را زیر سؤال برده است. امروزه در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که به تدریج تفاوت نسلی و همچنین تفاوت زندگی میان والدین و فرزندان به شکل تعارض‌گونه‌ای تبدیل و تجربه می‌شود. اهمیت خرده‌فرهنگ‌ها و شیوه‌های جدید برای جوانان، زندگی درون خانواده و همچنین روابط بین نسلی را به چالش کشیده است. بسیاری از این تفاوت‌ها و تعارضات سرفصل نزاع‌های خانوادگی و نیز موجب ترک خانه شده است.

در دیدگاه‌ها و رفتارهای جوانان و والدین تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود. نسل جوان دیگر

چندان خود را در چارچوب هنجارهای گذشتگان تعریف نمی‌کند و به دنبال الگوهای جدید زندگی برای خود است. برخی از تقدس‌ها و هنجارهای گذشته میان جوانان کم‌رنگ یا از بین رفته است، به بیان دیگر **ما شاهد کمترین اتفاق نظر بین دو نسل در زمینه فرهنگ عمومی نظیر معاشرت قبل از ازدواج، ازدواج با خویشاوندان، نحوه گذران اوقات فراغت و رفتارهای فرهنگی و مذهبی هستیم.**

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد تحولات فرهنگی در جامعه و نیز در خانواده اتفاق افتاده است. به ویژه این تحولات در مقایسه نسل جوان و بزرگسال مشهود است. شرایط فعلی جامعه ایران موجب شده که بحث تحولات فرهنگی و اجتماعی، تغییر ارزش‌ها و هنجارها در جامعه و نیز تعارض بین نسلی میان والدین و فرزندان به عنوان یکی از مهمترین موضوع‌های ضروری مورد بررسی، تحلیل و آموزش قرار گیرد.



تنوری انتخاب، فرزندپروری و تعارض بین نسلی

دگرگونی‌های رخ داده در چند دهه اخیر نشان می‌دهد که جوانان در جریان وسیع اطلاعات قرار گرفته‌اند و اطلاعات آنان در دنیای پیشرفته در حال تغییر، موجب پیدایش پی در پی ارزش‌های نو گردیده است تا جایی که با نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید آشنا شده‌اند و به همان میزان سطح انتظارات و توقعات آنان افزایش یافته است. تحول خانواده در چند دهه اخیر نیز موجب شده که خانواده‌ها در معرض چالش‌های جدی قرار بگیرند. چالش‌هایی که به نظر می‌رسد شکل سنتی خانواده را زیر سؤال برده است.



زمینه‌های بروز تفاوت بین نسلی

به زعم جامعه‌شناسان افزایش زمینه برای رشد تحصیلی فرزندان، افزایش استفاده از رسانه‌های نوین از جمله اینترنت و ماهواره، دسترسی به اطلاعات گسترده، اشتغال زنان،

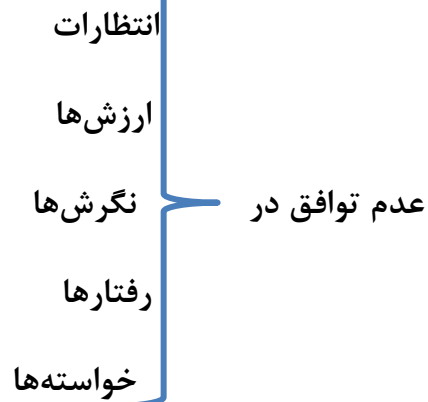
آزادی‌های نسبی، حق انتخاب، تغییر شیوه زندگی افراد و همچنین تغییر گروه مرجع از جمله زمینه‌های بروز تفاوت‌های بین نسلی در خانواده‌ها می‌باشد. **مهمترین چالشی که خانواده امروزی با آن روبرو است، دگرگونی سریع و عمده هنجارها و ارزش‌های خانوادگی میان فرزندان و والدین است** تا جایی که می‌توان صحبت از هنجارهای رقیب در کنار هنجارهای سنتی کرد که این هنجارها منشاء بسیاری از تعارض‌ها در خانواده است. در زمینه هنجارهای رقیب می‌توان به نحوه همسرگزینی، شیوه دوست‌یابی، گذران اوقات فراغت، رابطه با جنس مخالف، نگرش و رفتار دینی، انتخاب در مصرف کالاهای فرهنگی اشاره کرد.

عمده ترین زمینه‌های تعارض بین نسلی :

پوشش، نحوه همسرگزینی، شیوه دوست‌یابی، گذران اوقات فراغت، رابطه با جنس مخالف، نگرش و رفتار دینی، انتخاب در مصرف کالاهای فرهنگی



تفاوت نسلی والدین و فرزندان یعنی:



این تفاوت به معنای وجود اختلاف نظرهای مهم میان والدین و فرزندان در جنبه‌های مختلف زندگی است. بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که پدیده‌ها و وضعیت‌هایی نظیر خشونت و نزاع‌های خانوادگی، فرار از خانه، اعتیاد، افسردگی، اضطراب، ناامنی، بی‌تفاوتی، بی‌اعتمادی و نظایر آن ناشی از تعمیق تفاوت‌های بین نسلی در خانواده است.



تأثیر تفاوت بین نسلی در زندگی و سلامت روان

روان

آنچه با عنوان شکاف نسل‌ها از ناحیه آن احساس خطر می‌شود گسست تعارضات ارزشی بین والدین و فرزندان است که اذهان اندیشمندان، برنامه‌ریزان و حتی توده مردم را نگران کرده است. شواهد حاکی از

آن است که در سال‌های اخیر به تدریج چالش بین والدین و فرزندان گسترش یافته است. اگر فاصله و جدایی بین اعضای خانواده عمیق شود، به تعارض بین نسل‌ها که همان شکاف نسلی است می‌انجامد. از آن‌جا که جامعه همیشه در مسیری رو به پیشرفت و در حال گذار است، باید توجه داشت که این دوران گذار تأثیرات مهمی در زندگی انسان و افراد جامعه می‌گذارد که با توجه به مقتضیات اجتماعی، فرهنگی و



تئوری انتخاب، فرزندپروری و تعارض بین نسلی

سیاسی هر جامعه‌ای این تأثیرات متفاوت خواهد بود. تفاوت نگرش و جهان‌بینی منجر به بروز تعارض در رابطه افراد با یکدیگر می‌شود.

عرصه اصلی بروز تعارض‌ها پنج حوزه مهم انسان است: تفاوت در نگرش و باور، نیازها، خواسته‌ها، اهداف و ارزش‌های افراد موجب متفاوت بودن انتخاب‌ها و مطلوب‌ها در زندگی و رفتار افراد می‌شود. از طرفی چهار نیاز از پنج نیاز اساسی افراد در ارتباط با عزیزان و نزدیکان ارضا می‌شود و افراد به روابط خود جهت ارضای نیازهای اصلی خود وابسته هستند و تعارض‌ها اولین ضربه خود به افراد را در سبک ارضا نیاز وارد می‌کنند. شکاف نسلی بیانگر اختلاف بین ارزش‌های جوانان با بزرگسالانی است که پایبندی بیشتری به رسوم گذشته دارند و کمتر از تغییرات استقبال می‌کنند، جوانان به سوی ارزش‌های نو، پیش‌بینی‌نشده گرایش بیشتری دارند و مقتضیات زمان آنها را برای افراد جذاب می‌کند. حال این که بزرگسالان نماینده ارزش‌های سنتی هستند و در برابر تغییر مقاومت دارند و این موجب برهم خوردن روابط، برخورد با یکدیگر، مشاجره و حتی کناره‌گیری از یکدیگر و استفاده از رفتارهای مخرب برای اقناع و متقاعد کردن یکدیگر می‌شود.



علل بروز تعارض نسلی

تعارض نسلی اگرچه امروزه بیشتر نمایان است، پدیده‌ای قدیمی و جزئی از زندگی بشر بوده است. از زمانی که انسان‌ها در نوع تعاملات خود، شیوه‌های گوناگونی را روبروی خود دیدند و ارتباطات اجتماعی به صورت



تئوری انتخاب، فرزندپروری و تعارض بین نسلی

گسترده برقرار شد، تفاوت در درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها، موجب جامعه‌پذیری متفاوت شد و تعارض نسلی نیز پدید آمد. تفاوت در نظام ارزش‌ها که به تعارض نسلی بین دو نسل در خانواده می‌انجامد،



دغدغه بسیاری از محققین و متخصصان خانواده درمانی بوده است. می‌توان گفت تمایزهای بین‌نسلی، پدیده‌ای متداول است که همواره در هر جامعه‌ای بین نسل‌های مختلف وجود دارد و تا اندازه‌ای دارای تعارض و کشمکش نیز هست. در مجموع، شکاف نسلی از تمایزهای قطبی و شدید بین‌نسلی حکایت دارد که صورت بیرونی آن، به شکل تعارض‌ها و

کشمکش‌های نسلی بروز می‌کند. در بررسی عوامل موثر بر شکاف نسلی، خانواده و رسانه به دلیل اثرگذاری بر جامعه‌پذیری افراد، سهم اساسی دارند.

تغییرات شکلی و کارکردی خانواده، همچون تبدیل خانواده از گسترده (زندگی دو و گاهی سه نسل با هم در یک مسکن) به هسته‌ای (خانواده متشکل از پدر، مادر و فرزندان) یا کاهش کارکردهای آموزشی - تربیتی خانواده و واگذاری برخی نقش‌های آن به دیگر نهادها، موجب تضعیف این نقش شده است. در گذشته علل بسیاری مانند اختلاف بسیار ناچیز در مراتب و موقعیت‌های اجتماعی گروه‌های سنی مختلف، رعایت اصل احترام به بزرگترها، انتقال طبیعی فرهنگ و رسوم جوامع به نسل جدید بدون هر گونه جهش و وجود الگوهای واحد اندیشه و تفکر و رفتار در نسل‌ها سبب می‌شد تغییرات بسیار کند و بطئی باشد، ولی افزایش سرعت تغییرات اجتماعی و دگرگونی‌ها در روند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری یکی دیگر از علل بروز تعارض نسلی است. درگیری در شرایط اجتماعی مدرن در پی رشد پس از جنگ جهانی دوم با شرایط ماقبل مدرن، به همراه افزایش آگاهی مردم از وضعیت خود و جوامع دیگر و توانایی بالقوه در نسل جدید همگی سبب شد نگرش‌های جدیدی در نسل جوان پدید آید. در نتیجه



تئوری انتخاب، فرزندپروری و تعارض بین نسلی

شکاف نسلی به منزله پدیده‌ای مهم خودنمایی کرد. دیگر نمی‌توان تفاوت طبیعی بین نسل‌های قدیم و جدید را امری عادی تلقی کرد. این برداشت که نسل امروزی بسیار عمیق‌تر از نسل گذشته می‌فهمد و در پی تغییرات است و توانایی بیشتری دارد واقعیتی آشکار است. شکاف نسلی مسئله مشترک جهان امروزی است به ویژه در جوامعی که شتاب و سرعت تغییرات اجتماعی در آن‌ها بیشتر است.

مولفه‌های تعارض نسلی

کاهش ارتباط کلامی (به علت نبودن یا کمبودن حرف‌هایی که برای دو طرف جذاب باشد)

اختلال در فرآیند همانندسازی (به علت ناکارآمد بودن الگوی نسل قبلی)

کاهش فصل مشترک‌های عاطفی (به علت عدم آشنایی و تایید قلبی مدل‌ها و الگوی عاطفی همدیگر)

عدم تعهد به فرهنگ خودی (آشنا شدن با عناصر فرهنگ دیگر و ناکارآمد دانستن الگوی نسل قبل)

نابرداری در دو نسل (به علت نبود زبان مشترک و وفور انتقاد به یکدیگر)

عوامل موثر در بروز تعارض بین نسلی





راهکارهای کاهش تعارض

یکی از عوامل مهم کاهش شکاف نسلی، پیوند اعضای خانواده و وجود زمینه ارتباطات صحیح بین فردی است. این ارتباط زمانی به درستی برقرار می‌شود که اعضای خانواده با نوعی تفاهم و درک متقابل با یکدیگر تعامل داشته باشند. یکی از عوامل ارتقادهنده پیوند عاطفی و کاهش‌دهنده شکاف نسلی، **گفت‌وگو** است؛ یعنی برقراری ارتباط و تعامل کلامی با یکدیگر. در فضای ارتباطی، به ویژه ارتباطات بین فردی، **گفت‌وگو صرفاً یک رفتار عادی نیست**، بلکه الگویی است که فضای عاطفی و هیجانی حاکم بر مناسبات افراد را شکل می‌دهد. گفت‌وگویی که واجد منظور ارتباطی و تعامل است، دارای دو مولفه و به عبارتی دارای دو مهارت است: **مهارت گوش دادن و مهارت هم‌دلی**. با بهره‌گیری مناسب از این دو مهارت می‌توان جریان ارتباطی گفت‌وگو را در جهت تفاهم و درک متقابل به راه انداخت.

تئوری انتخاب و فرزندپروری

یکی از دروس مهم نظریه انتخاب برای ما والدین، این است که سعی کنیم ویژگی‌های آینده فرزندانمان را در تصاویر ذهنی خود، به ویژگی‌های کلی و عمومی (مانند آنچه در بالا توصیف شد) محدود کنیم. به محض آن که بکوشید فرزندان را وادار کنید به انسانی با ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد که در ذهن شما تصویر شده، تبدیل شود، کارآیی شما در تربیت فرزندان کاهش می‌یابد. واداشتن او به تبدیل شدن به آنچه واقعا خودش نمی‌خواهد، بیش از هر چیز دیگری او را با ما بیگانه می‌سازد. خیلی از پدر و مادرها می‌کوشند فرزند خود را در قالب تصاویر ذهن خود جای دهند و برای این قبیل والدین، تربیت فرزند به نبرد نافرجامی بر سر قدرت تبدیل می‌شود. در رابطه والدین و فرزند، هرگاه پرخاشگری و انتقاد از در وارد شود، عشق و شفقت و احترام از در دیگر بیرون می‌رود.



تئوری انتخاب، فرزندپروری و تعارض بین نسلی

والدینی که این ویژگی‌های عمومی را درباره فرزند موفق، کافی نمی‌دانند و اصرار دارند که موفقیت فرزندشان، در گروی بزرگ شدن مطابق الگوی ذهن آنان است، بیشتر مزاحم و مانع راه فرزند خود محسوب می‌شوند تا یاور و پشتیبان او.

اصل بدیهی نظریه انتخاب در مورد فرزندپروری این است:

اگر می‌خواهی فرزندت شاد، موفق و با تو صمیمی باشد، کاری نکن که فاصله تو و او زیاد شود.

و این بدان معناست که فرزندان را به دلیل داشتن تعارض با افکار، رفتار و انتخاب‌هایشان تنبیه، تهدید و تحقیر نکنید و به آن‌ها زیاد عشق بورزید. اگر فرزندان شما از گذراندن وقت‌شان با شما شاد و خشنود می‌شوند، شما به عنوان پدر یا مادر والدین خوشبختی خواهید بود. اما در بیشتر مواقع والدین در مقابل فرزندانشان احساس مالکیت دارند و بر این اساس که صلاحیت فرزندانشان را می‌دانند آن‌ها را تنبیه یا تشویق می‌کنند تا کاری را که از نظر آن‌ها درست است را انجام بدهند و بعد بر این اصل چنان اصرار می‌ورزند که رابطه خود با فرزندشان را خراب می‌کنند.

البته ما در بیشتر مواقع می‌توانیم کودکانمان را مجبور به انجام کارهایی بکنیم که صلاح می‌دانیم، اما هزینه این عمل بالا است. در روابط چنین والدین و فرزندان اولین چیزی که قربانی می‌شود نزدیکی و صمیمیت است.

بچه‌ها برای ارضاء نیازهایشان، می‌خواهند اهداف خود را دنبال کنند. اگر چنین نبود ما هنوز ساکن غار بودیم و کور کورانه خواسته‌های والدین و نیاکان خود را انجام می‌دادیم.



تئوری انتخاب، فرزندپروری و تعارض بین نسلی

وقتی خواسته فرزندمان (در هر سنی) با خواست ما اختلاف زیادی دارد، اگر رابطه دوستانه‌ای با فرزند خود داشته باشیم، معمولاً می‌توانیم درباره اختلافات مذاکره کنیم و توافقی را طرح‌ریزی کنیم که مورد قبول هر دو طرف باشد. تمام انسان‌ها از کوچک و بزرگ و پیر و جوان نیاز شدیدی به قدرت دارند، مذاکره و توافق تنها روشی است که به وسیله آن هم والدین و هم فرزندان می‌توانند به این نیاز خود پاسخ دهند و با این حال سازگاران در کنار یکدیگر زندگی کنند. بازسازی رابطه بین والدین و فرزند نافرمان، وظیفه‌ای دشوار و تکلیفی گام به گام است؛ ولی تا وقتی این روابط بهبود نیابد، هیچ یک از اقدامات والدین، ثمری نخواهد داشت. آیا «طبیعی» نیست که پدر و مادر «برای خیر و صلاح فرزندشان» زندگی او را کنترل کنند؟

بچه‌ها اگر به والدین خود عشق و علاقه داشته باشند، از مدیریت مادرانه و پدرانه آنان استقبال می‌کنند، ولی دوست ندارند سررشته زندگی خود را به یکباره به دست دیگران بسپارند.

تقریباً در همه سنین، بچه‌ها از والدین انتظار دارند اختیار لازم را برای انجام آنچه در زندگی برای‌شان معنا دارد، به آنان تفویض کنند. مسئله بر سر بود و نبود کنترل والدین نیست، بلکه بر سر آن است که کنترل منطقی چیست و پدر یا مادر تا چه حد باید زندگی فرزند را کنترل کند.

تقریباً تمام مشکلات والدین در تربیت فرزند از نادیده گرفتن این واقعیت ناشی می‌شود که وقتی فرزند به خواسته والدین (و یا والدین به خواست فرزند) تن نمی‌دهند، تنها ابزار مفید برای عبور از بحران، مذاکره و توافق است.

والدینی که مذاکره نمی‌کنند و سعی دارند بدون اعتنا به خواسته فرزندشان، او را وادار به ارضا تصویر ذهن خود کنند، سرانجام برای در دست گرفتن کنترل به پرخاشگری یا رشوه‌دادن متوسل می‌شوند. بچه‌هایی که والدین خود را دوست دارند، معمولاً اهل توافقاند و اگر به آنان فرصت مذاکره بر سر تفاوت‌ها داده شود، مقدار منطقی و لازم کنترل والدین را می‌پذیرند. در مذاکره، شما باید



تئوری انتخاب، فرزندپروری و تعارض بین نسلی

دلایل خواسته‌های خود را برای فرزندان توجیه کنید و استدلال او را نیز درباره درخواست‌هایش بشنوید. ولی فرزندان سرسختانه در برابر هر نمادی از قدرت که اهل مذاکره و توافق نباشد، مقاومت می‌کنند.

بچه‌ها هم مثل بزرگ‌ترها، در صدد تحقق تصاویر ذهن خود هستند و مثل همه انسان‌های دیگر اگر ناچار شوند، در این راه حتی از مبارزه با پدر و مادری که اهل توافق نیست، ابایی ندارند.

اگر بیاموزیم و بپذیریم که می‌شود دو احساس متفاوت نسبت به یک چیز داشت خیلی از مسائل حل می‌شود. مثل کودکی که از داشتن خواهر یا برادر هم خوشحال است و هم ناراحت. لازم نیست به خاطر ناراحتی دیگران خودمان را تا حد آشفتگی ناراحت کنیم. زیرا این کار نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه باعث می‌شود از ناراحت شدن ما نیز رنج ببرند.

مذاکره و توافق بهترین سبک حل تعارض (گفتگو با فرزندان)

ابتدا به روش‌های ناصحیحی که ممکن است افراد در ارتباط با هم و در حل تعارض‌ها به کار گیرند، می‌پردازیم:

ردیف	شیوه‌ها	نمونه‌ها	احساس طرف مقابل
۱	سرزنش و اتهام	چرا تو همیشه این کار رو می‌کنی؟ نمی‌تونم یکبارم درست کار کنی؟ چند بار بهت بگم این جوری کار کن. تو هیچ وقت گوش نمی‌کنی!	من همیشه اشتباه می‌کنم. هیچ وقت نمی‌تونم درست کار کنم. تو میگی من هیچ وقت گوش نمی‌کنم پس منم گوش نمیدم. اصلا دلم می‌خواد این کار رو بکنم.
۲	اسم گذاشتن	هوا سرده و تو بازم لباسه نازکه! این کار واقعا احمقانه است. بذار دوچرخه تو من درست کنم.	اون درست می‌گه، من احمقم. بهش نشون میدم دفعه دیگه حتی یک ژاکتم نمی‌پوشم. چرا اصلا سعی کنم. من بی‌عرضه‌ام. ازش متنفرم، بازم



تئوری انتخاب، فرزندپروری و تعارض بین نسلی

	تو بی‌عرضه‌ای! اتاقت مثل حیوونا کثیفه.		شروع کرد.
۳	تهدید	اگه یک بار دیگه این کارو بکنی وای به حالت. اگه کاری رو که می‌گم انجام ندی من می‌دونم و تو. اگه لباس‌تو نپوشی من بدون تو می‌رم.	به طوری که اون نفهمه بازم این کارو می‌کنم. من می‌ترسم. دل‌م می‌خواد گریه کنم. تنهام بذار. دیگه با تو هیچ جا نمیام.
۴	دستور	همین الان اتاقتو تمیز کن. کمک کن بسته‌ها رو جابجا کنم، زود باش.	بیا منو مجبور کن. اصلا دل‌م نمی‌خواد تکون بخورم. اصلا اتاق منه دوست دارم کثیف باشه.
۵	سخنرانی و بحث اخلاقی	اگه انتظار داری دیگران با تو مودب باشند، تو هم باید با آنان مودب باشی. دوست داری دیگران به تو بی‌احترامی کنند؟	ازشون خوشم نمیاد. هر کاری می‌کنم تو درد سر می‌افتم. اصلا کی گوش می‌کنه. من بی‌ارزشم. دل‌م نمی‌خواد ببینمشون.
۶	اخطار	این کارو نکن خودتو بدبخت می‌کنی! مواظب باش تصادف نکنی. لباستو بپوش، هوا سرده. درس نخونی بدبخت میشی.	تو خیر اصلا خودمو بدبخت نمی‌کنم، اختیار خودمو دارم. خودم مواظبم، بچه که نیستم، می‌فهمم.
۷	جملات ترحم‌آمیز	داد نزن من مریضم، قلبم ناراحت میشه. صبر کن خودت مادر بشی بعد می‌فهمی. حداقل به موه‌ای سفیدم احترام بذار.	احساس گناه می‌کنم. من می‌ترسم، تقصیر من بود که مریض شد. اصلا کی اهمیت می‌ده.
۸	مقایسه	دوستتو نگاه کن، همیشه کاراشو زودتر از موعد مقرر تموم می‌کنه. چرا تو هیچوقت مثل فلانی رفتار نمی‌کنی؟	او همه رو بیشتر از من دوست داره. همه اونو بیشتر از من دوست دارن. از اون متنفرم. همیشه شکست می‌خورم.
۹	کنایه زدن	فردا امتحان داری و کتابتو تو مدرسه جا گذاشتی. عجب درسخون و باهوشی! چه خط قشنگی داری؟ خط چینی؟	دوست ندارم کسی منو مسخره کنه. اون خیلی بی‌مزه است. به من بی‌احترامی شد. مهم نیست چکار می‌کنم، من موفق می‌شم.
۱۰	پیشگویی کردن	تو به من دروغ گفتی! حتما به بقیه هم همین چیزا رو سرهم	اون درست میگه، من هیچوقت واسه کسی ارزشی ندارم.



تئوری انتخاب، فرزندپروری و تعارض بین نسلی

من قابل اعتمادم بهش نشون می‌دم که در اشتباهه. هیچ فایده‌ای نداره، من دیگه کاری نمی‌کنم.	کردی. ها؟ بذار بگم آینده‌ات چی جوری میشه؟ مطمئنم از پس این کار هم بر نمی‌ای!		
---	--	--	--

راه‌های دیگری نیز وجود دارد که بدون از بین بردن اعتماد به نفس افراد و ایجاد حس تنفر و انزجار و مقاومت، او را به همکاری ترغیب کنیم. در اینجا ما پنج روش را برخواهیم شمرد. البته باید توجه داشت که تمامی این روش‌ها را نمی‌توان برای همه اشخاص به کار برد. تمامی روش‌ها با شخصیت شما تطابق ندارد و در هر شرایطی نمی‌توان از آن استفاده کرد ولی آنچه از به کارگیری هر یک از این پنج روش می‌توان انتظار داشت، ایجاد محیطی مملو از عشق و احترام است که در آن می‌توان دیگران را به راحتی تشویق به همکاری کرد. در ادامه به شیوه صحیح بیان خواسته و این که چگونه می‌توانیم به نحوی موثر به آشنا ساختن فرزندان با نظرها و مطلوب‌های خود یا دیگران برسیم، می‌پردازیم.

ردیف	روش‌ها	نادرست	درست
۱	توضیح دادن	رضا، تو واقعا بی مسئولیتی! همیشه شیر رو باز می‌ذاری. چند بار باید بهت بگم برق اتاقتو خاموش کن. همین حالا تلفنو قطع کن.	رضا، شیر آب باز مونده. چراغ اتاقت روشن مونده. من می‌خوام تلفن بزnm.
۲	اطلاعات دادن	کی شیر خورده و شیشه رو تو یخچال گذاشته؟ چرا پوستای شکلاتو رو تخت ریختی کثافت؟ چقدر بد رانندگی می‌کنی!	بچه ها! شیر وقتی بیرون از یخچال بمونه خراب میشه. پوست شکلاتو باید تو سطل آشغال ریخت. رانندگی خوب، آرامش‌بخشه
۳	بیان مطالب با یک کلمه	من بارها از شما خواستم از راه که رسیدید خونه لباستون رو عوض کنید. قبل از این که واست ماشین بخرم قول دادی تمیز نگهش داری!	بچه ها! لباس خونه! علی! شستشوی ماشینت!
۴	صحبت کردن درباره احساس خود	بس کن دیگه این قدر آستین لباسمو نکش. چرا همیشه توری در رو باز میداری؟ پدر بیا منو برسون.	دوست ندارم کسی آستینمو بکشه. خیلی عصبی میشم وقتی پشه میاد. دخترم! من دوست دارم بگی بابا من آماده‌ام، منو برسونید؟
۵	نوشتن یادداشت	در نوشتن یادداشت نیز باید از به کاربردن شیوه‌های نادرست ده‌گانه فوق اجتناب ورزید.	به عنوان مثال: پشت در اتاقت یادداشت بگذارید: ساکت، پدر خواب است